

از امیر حسین جهانگلو تا علی دهباشی

حسین نورینیا

پژوهشگر مطالعات اجتماعی

امیر حسین جهانگلو از کارگزاران و روشنفکران دهه ۳۰ تا ۵۰ بود. او ابتدا کارمند وزارت دارایی بود. در دانشگاه تهران حقوق، سپس در سوربن فرانسه ابتدا فلسفه خواند و بعد دکترای اقتصاد گرفت. بعد از بازگشت به ایران، جذب شرکت ملی نفت شد، سپس به عنوان یک مقام ارشد دولت ایران نقش مؤثری در سازمان اوپک داشت. در اواخر دهه ۴۰ و پس از بازگشت از الجزایر با فشار ساواک، به اجبار بازنشسته شد، ولی از اوایل دهه ۵۰ به درخواست دانشکده اقتصاد وارد دانشگاه تهران شد و در کسوت استادی، باتوجه به احاطه با به فلسفه، اقتصاد، سیاست، ادبیات، عرفان، حقوق و به ویژه حقوق بین الملل و حتی هنر و شیوایی کلام و جاذبه های شخصیتی، توانست نقش مؤثری در تربیت دانشجویان داشته باشد. جهانگلو چند جلد کتاب در حوزه های مختلف نیز ترجمه کرد، اما نقش او در فضای فرهنگی ایران پیش از انقلاب بسیار فراتر از جایگاه استادی و مترجمی است. او به عنوان یک روشنفکر ایرانی، در دهه ۳۰ و ۴۰ زمینه طرح مباحث فلسفی غرب را در ایران فراهم آورد. جهانگلو با تشکیل محفلی در باغ شخصی خود و دعوت از تعدادی از سرشناس ترین نویسندگان و روشنفکران، با سخنرانی های فلسفی احمد فردید، به ویژه حول محور هایدگر، که به جلسه های فردید معروف شد، نقش مؤثری در جریان روشنفکری و اندیشگی ایران پیش از انقلاب داشت که اثرات آن در انقلاب ۵۷ نمایان بود و دهه ها تداول یافت؛ جریانی که توانست ایران را مرکز بحث و گفت و گو قرار دهد.

علی دهباشی، اما از ابتدا روزنامه نگاری بود که در ماهنامه ها و نشریه های ادبی و فرهنگی جریان های روشنفکری پس از انقلاب می نوشت. او از سال ۷۷ نشریه بخارا را راه اندازی کرد که تاکنون خوش درخشیده و ۱۶۱ شماره انتشار یافته است. بخارا که از سال ۱۴۰۰ سمرقند نیز با آن همراه شد، همچون دایره المعارفی در شناساندن نویسندگان ایرانی و خارجی به شمار می آید. این نشریه با اختصاص ویژه نامه هایی در هر شماره به یک نویسنده، جایگاهی ارزشمند در تاریخ مطبوعات ایران و دوران پس از انقلاب دارد. علاوه بر این به همت او کتاب های بسیاری که به نحوی موضوع آن ها به ایران بازمی گردد انتشار یافته است. با این همه دهباشی را باید با تلاش دیگر شناخت که او را به جهانگلو پیوند می زند. او بنیانگذار محافل بخاراست؛ محافلی شامل: شب های بخارا، عصر شنبه های بخارا، عصر دوشنبه ها، عصر سه شنبه ها، عصر چهارشنبه ها، پنجشنبه صبح و جمعه های بخارا که در آن ها به معرفی شخصیت های علمی و فرهنگی ایرانی و خارجی، کتاب های ارزشمند انتشار یافته، نشریه های پایه میدان نهاده، میراث فرهنگی به جای مانده و فضاهای ارزشمند فرهنگی و طبیعی، دیدار و گفت و گو با شخصیت های علمی و فرهنگی و تجلیل از آن ها پرداخته شده است. محافل بخارا دارای چند ویژگی است که آن را از محفل جهانگلو متمایز می کند:

۱- محافل بخارا به منظر می رسد پایدارترین و پر شمارترین محفل فرهنگی در طول تاریخ ایران در دوره ای کوتاه باشد. با گذشت حدود ۱۸ سال و نیم از برگزاری این محافل (از ۲۲ دی ماه ۱۳۸۴)، بیش از ۱۲۰۰ برنامه برگزار شده است؛ یعنی هر ماه ۵ تا ۶ برنامه که در نوع خود بی نظیر است. ۲- محافل بخارا توانسته است به ارتباطات میان فرهنگی دامن زند. برگزاری شب های نویسندگان و سفرهای کشورهای خارجی حاضر در ایران، از این جمله است. ۳- محافل بخارا، از حوزه تنگ روشنفکران و نویسندگان برجسته که ویژگی محفل جهانگلو بود، فراتر رفته و حوزه عمومی را با خود همراه کرده است. در محافل بخارا افشار گوناگون اجتماعی حضور دارند. حتی زنان خانه دار و کارگران علاقه مند را نیز می توان در این محافل یافت. ۴- محافل بخارا، فاصله بین نویسندگان و مردم را شکسته است. آنان را در کنار یکدیگر نشانده است. حضور رودرروی علاقه مندان با نویسندگان و دانشمندان ایرانی، تعلق خاطر به ایران را در این محافل تقویت کرده است. ۵- محافل بخارا، چهار دیواری مکانی خاص را شکند و به فضاهای گوناگون سرک کشید. در نقاط مختلف تهران، سپس شهرهای گوناگون ایران و حتی برخی شهرهای جهان برگزار شده و توانسته، ایرانیان را در نقاط مختلف به یکدیگر پیوند زند و در ایجاد حس مشترک آنان مؤثر باشد. ۶- محافل بخارا، دنیایی از تنوع فرهنگی است. در آن ناخواسته ایران دوستی باز تولید می شود. روداری نسبت به یکدیگر شکل می گیرد. از دل آن انقلاب بیرون نمی آید که شکاف فرهنگی تولید کند. از بخارا تا دوام فرهنگی و تلاش برای باز تولید ارزش های فرهنگی ایرانی و انسانی حاصل می شود.

محافل بخارا نشان داده، در ایران امروز که با موج مهاجرتی بزرگ مواجه شده و مسائل در هم تنیده ای آن را فرا گرفته است، شخصیت های ارزشمند علمی و فرهنگی در گوشه و کنار ایران بدون چشمداشتی خاص، به تولید دانش و فرهنگ مشغول هستند؛ شخصیت هایی که جامعه ایرانی می تواند به آنان تکیه و افتخار کند. وجود دهباشی و کار مداوم او در بخارا، در امروز ایران، منحصر به فرد است. دهباشی، گوهر ایران است.

۲۴ ساعت

۱۶

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline
https://t.me/hammihanonline
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیران گروه ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمن منتظری (دیپلماسی و بین الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • آرش خاموشی (عکس) • هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین) • مدیر هنری: مهدی قربانی تبار • حروفچینی و ویراستاری: شهرام های، مدیر اداری و آگهی ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۵ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی ها: ۸۸۷۳۵۴۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هممیهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



افزایش تنش ها یا همدلی؟

محمد خزاعی به عنوان دبیر چهار و سومین جشنواره فیلم فجر منصوب شد و موافقان و مخالفان درباره این تصمیم صحبت کردند

محمود گبرلو، منتقد سینما که به عنوان داور و عضو هیئت انتخاب در جشنواره فیلم فجر حضور داشته است



اما با این انتخاب موافق است و درباره دلایل این موافقت به «هممیهن» می گوید: «خوشحالم که دولت سیزدهم پس از دو سال در عرصه سینما متوجه شد که در انتخاب دبیر جشنواره فیلم فجر اشتباه کرده است. انتخاب مجتبی امینی بیشتر جنبه سیاسی داشت تا جنبه سینمایی. مسئولان فکر می کردند که در آن زمان باید شخصی را به عنوان دبیر فجر انتخاب کنند که افکار او نزدیک به دولت سیزدهم باشد اما عملکرد دید او در جشنواره فیلم فجر باعث شد به این موضوع پی ببریم که نزدیک بودن به دولت باعث رونق جشنواره فجر نمی شود بلکه تعامل با اهالی سینما باعث رونق یک جشنواره ملی می شود. طبیعتاً رونق جشنواره فیلم فجر موجب اتحاد و همدلی اهالی سینما و رونق تولید فیلم و استقبال گرم مخاطبان از سینما و گردش اقتصادی سینما، همچنین فرهنگ کشور می شود. باتوجه به این اتفاق بسیار مهم است که دبیر این رویداد دانش برگزاری یک جشن باشکوه را داشته باشد. آقای خزاعی به رغم اینکه در یک سمت دولتی هستند اما افاقیت های سینما را درک می کنند. بهر حال انتقادهایی به شیوه عملکرد ایشان در سازمان سینمایی وجود دارد اما فکر می کنم انتخاب او به عنوان دبیر فجر تصمیم درستی بوده است.»

تکرار اشتباهات گذشته؟

محمد خزاعی تجربه دبیری سی امین دوره جشنواره فیلم فجر را در سال ۱۳۹۰ در کارنامه کاری خود دارد. گبرلو با اشاره به تجربه سال های گذشته خزاعی بیان می کند: «تجربه سال های دور آقای خزاعی در دوره سی ام نشان داده است که او در شیوه های اجرایی جشنواره و جذب و توجه بیشتر به فیلم و سینماگران موفق عمل کرده است و نگاه روشن تری نسبت به سینما دارد. متأسفانه در دو سال گذشته اعتراضاتی نسبت به جشنواره وجود داشت و برخی سینماگران اعتراض کردند اما مسئولان دوره قبل نتوانستند بین اهالی سینما دوستی ایجاد کنند و حتی گاهی تنش را بیشتر می کردند.»

فیلمسازان همواره نسبت به جشنواره فیلم فجر انتقاداتی داشته اند، این انتقادات در سال های اخیر حتی به بیانیه های تند و اعتصاب جشنواره ختم شده است. در این شرایط به نظر می رسد انتخاب شخصی مانند محمد خزاعی که در مسند سازمان سینمایی به عنوان بزرگترین نهاد دولتی ایران در حوزه سینما نشسته است، به دوقطبی موجود میان اهالی سینما دامن بزند. کثیران در پاسخ به این پرسش می گوید: «برخی از هنرمندان که به جشنواره فیلم فجر علاقه دارند، در هر شرایطی در این رویداد شرکت می کنند مانند امسال و به نظر من تفاوتی برای این هنرمندان ندارد که چه کسی دبیر جشنواره فیلم فجر باشد، مگر اینکه مانند دو دوره قبل اتفاق خاصی رخ دهد.»

گبرلو در پاسخ به این پرسش توضیح می دهد: «اعتراض داشتن به یک جریان فرهنگی و نقد یک جشنواره سینمایی حق طبیعی هر فرد فرهنگی و هنری است و مانعی برای افراد را ایجاد نمی کند. تمام اهالی سینما باید با همه برنامه های دولت برای سینما تبعیت کنند. طبیعتاً ممکن است برخی نسبت به شرایط موجود نقد داشته باشند و معترض باشند اما ابتدا باید ببینیم که این تعداد معترض چقدر می توانند در روند کلی سینما تاثیر بگذارند و دوم اینکه متولی که برای جشنواره انتخاب می شود، نباید به دوقطبی شدن اهالی سینما دامن بزند. در سال های گذشته نیز نقدها و اعتراضاتی نسبت به روند برگزاری جشنواره فیلم فجر وجود داشت اما در دو سال گذشته این اعتراضات پررنگ تر شدند اما به عقیده من این اعتراضات و نقدها خیلی تأثیری در روند جشنواره فیلم فجر نداشته است. در دو سال گذشته متأسفانه دوقطبی کردن جشنواره به اختلافات اهالی سینما دامن زد؛ آقای خزاعی نباید تجربه غلط گذشته را تکرار کند، همچنین باید تعامل خوبی با فیلمسازان داشته باشند و جشنواره بستر همدلی و تعامل فیلمسازان باشد.»

جشنواره فیلم فجر بهر حال یکی از مهم ترین رویدادهای سینمایی کشور است و حال باید منتظر ماند و دید که رئیس سازمان سینمایی در راستای سمت جدید خود چه تصمیماتی را برای دوره جدید فجر در نظر دارد.

ندا زنگینه

خبرنگار فرهنگ



هر چند محمد خزاعی دعای تحویل سال را اشتباه خواند اما به نظر می رسد رئیس سازمان سینمایی سال جدید را با تحولات خوبی آغاز کرده است. صبح یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ماه، محمد خزاعی، رئیس سازمان سینمایی با حفظ سمت به عنوان دبیر چهار و سومین جشنواره بین المللی فیلم فجر منصوب شد. محمد خزاعی که تهیه کنندگی آثاری از جمله «به وقت شام»، «امپراتور جهنم»، «پشت دیوار سکوت»، «قلاده های طلا»، «برخورد خیلی نزدیک»، «احضار شدگان»، «جمعه موسیقی»، «پشت پرده مه» و «پیکنیک در میدان جنگ» را بر عهده داشته است، سال ۱۴۰۰ در سمت رئیس سازمان سینمایی کشور منصوب شد. ادغام دو جشنواره ملی و جهانی فیلم فجر از جمله تصمیم گیری های خزاعی برای این رویداد بود و بر این اساس از سال ۱۴۰۱ سازمان سینمایی تصمیم گرفت که جشنواره ملی و جهانی فجر را به صورت یکپارچه تحت عنوان «جشنواره بین المللی فیلم فجر» برگزار کند. در این سه سال که خزاعی در سازمان سینمایی حضور دارد ما شاهد برگزاری سه دوره دبیری جشنواره فیلم فجر بوده ایم. سال ۱۴۰۰ مسعود نقاش زاده، دبیر چهل و پنجمین دوره جشنواره فیلم فجر شد. این دوره از جشنواره که در زمان اوج شیوع ویروس کرونا برگزار شد، با انصراف مسعود کیمیایی از شرکت در بخش مسابقه آغاز شد. همچنین دبیر جشنواره به دلیل صیانت از آرای مردم و نیز حفظ حقوق صاحبان آثار، به طور کل «سیمیرغ درمی» را حذف کرد که این تصمیم تاکنون نیز با واکنش های مثبت و منفی زیادی همراه بوده است. در دوره چهل و یکم مجتبی امینی، عنوان دبیری جشنواره را به خود اختصاص داد و شاید بتوان گفت که با تحریم گسترده فیلمسازان و هنرمندان یکی از عجیب ترین دوره های جشنواره سیری شد زیرا هنرمندان به دلیل اعتراضات سیاسی و اجتماعی سال ۱۴۰۱ در این جشنواره حضور پیدا نکردند. مجتبی امینی دوره بعد نیز دبیر جشنواره فیلم فجر باقی ماند. انتصاب محمد خزاعی در حالی رقم خورد که چندی پیش بحث برکناری او از سمت ریاست سازمان سینمایی به صورت جدی مطرح شده بود. این تصمیم این گمانه زنی را ایجاد می کند که با انتصاب سمت دوم به این فرد در مدت زمانی کوتاه سمت اول از او گرفته شود.

با انتخاب محمد خزاعی به عنوان دبیر جشنواره فیلم فجر، پس از سید عزت الله ضرغامی در دوره چهاردهم (سال ۷۴) و زنده یاد سیف الله داد در دوره شانزدهم (سال ۷۶) برای سومین بار است که معاون سینمایی وزیر فرهنگ همزمان دبیر جشنواره فجر می شود و این تصمیم تاکنون مخالفان و موافقانی داشته است.

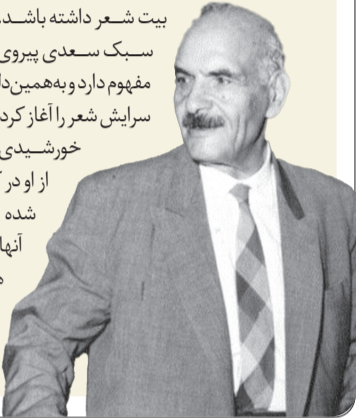
دبیر مورد اعتماد نداریم

کیوان کثیریان، منتقد سینما معتقد است که معنی اینگونه انتصاب ها این است که ما کسی را نداریم که به او اعتماد داشته باشیم و دبیری جشنواره فجر را به آن فرد بسپاریم. مانند مربی ای که خودش وارد زمین می شود تا بازی کند زیرا به بازیکنانش اعتماد ندارد. او می گوید: «محمد خزاعی یک دوره دبیر جشنواره فجر بوده است اما این دلیل نمی شود که سمت دبیر جشنواره فجر را برای خودش نگه دارد و من این تصمیم را عجیب می بینم. البته اگر فضای شایسته سالاری در کشور ما برقرار بود، اکنون خیلی از افراد در جایگاه شان حضور نداشتند. این تصمیم از یک طرف نشان دهنده وجود اختلاف در تیم معاونت سینمایی دولت است و از طرفی این ایده را تقویت می کند که در مدت زمان کمی سمت ریاست معاونت سینمایی از محمد خزاعی گرفته خواهد شد.»

چهره

سالروز درگذشت حبیب یغمایی

حبیب یغمایی؛ یکی از شاعران، روزنامه نگاران و محققان برجسته ایرانی بود که ۲۴ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۳ درگذشت. یکی از عمده ترین خدمات او چاپ و نشر مرتب مجله یغما به مدت ۳۱ سال بود. حبیب یغمایی در سال ۱۳۸۰ خورشیدی در شهرک خور، مرکز ناحیه جندق و بیابانک زاده شد. امروزه یغمایی را بیشتر با اشعار ساده اش از جمله شعر «روپاه وزاغ» که در کتاب فارسی سوم دبستان است، می شناسند. دیوان اشعار او خیلی مفصل نیست و شاید حدود هفت هزار بیت شعر داشته باشد. او در شعر چون کاملاً از سبک سعدی پیروی کرده، شعری روان و با مفهوم دارد و به همین دلیل سال های نخستین که سرایش شعر را آغاز کرده بود، یعنی از سال ۱۳۰۰ خورشیدی به بعد، شعرهای زیادی از او در کتاب های درسی منتشر شده است. «روپاه وزاغ» یکی از آنهاست که با گذشت بیش از هفت دهه، هنوز هم مهمان کتاب های درسی دانش آموزان است.



کتابخانه

اندیشه سیاسی و الاهیاتی هابز

کتاب «در باب شهروند» نوشته توماس هابز، با ترجمه یاشار جبرانی در ۳۸۶ صفحه و با قیمت ۵۵۰ هزار تومان توسط نشر نو منتشر شد. اگر چه امروزه بیشتر خوانندگان، هابز را در درجه اول به عنوان مؤلف «لیوتانان» می شناسند اما نخستین دلیل شهرت او به عنوان مؤلف «در باب شهروند» عصری را می یابد که به شهرت هابز به عنوان مؤسس فلسفه سیاسی مدرن منجر شد؛ انتقالات و خصوصاً ترس از مرگ خشونت بار به عنوان مبنای محکم تأسیس نظم سیاسی، ساخته و پرداخته کردن مفهوم فرد مدرن،



در باب شهروند

نویسنده:

توماس هابز

مترجم: یاشار

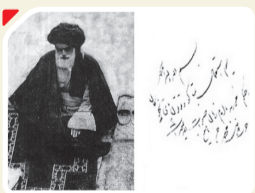
جبرانی

انتشارات: نشر نو

وضع طبیعی، دولت مطلقه مدرن به مثابه موجودی مجزا و بر فراز جامعه و نشانه گذاری حوزه خصوصی، تعیین رفاه و امنیت به عنوان اهداف اساسی نظم سیاسی و فروکوبیدن فلسفه، الاهیات و اخلاق پیشامدرن. همچنین «در باب شهروند»، به اندیشه سیاسی و الاهیاتی هابز اختصاص یافته است.

تاریخ

لغو امتیاز تنباکو



در جریان سومین سفر ناصرالدین شاه به اروپا، قرارداد رژی میسان ایران و شرکت رژی منعقد شد. طبق این قرارداد شرکت رژی تعهد کرد که در ازای انحصار خرید و فروش توتون و تنباکو ایران به مدت ۵۰ سال،

سالیانه مبلغ ۱۵ هزار پوند استرلینگ به همراه یک چهارم سود خالص خود را به شاه بپردازد. با انتشار خبر عقد این قرارداد، مخالفت هایی عمده در ایران ظاهر شد. در فارس سید علی اکبر فال اسیری، یکی از مجتهدان شیراز بر بالای منبر از زیر عبا شمشیر کشید و اعلان جهاد کرد. او به بصره تبعید شد، اما آتش مخالفت ها با قرارداد شعله ورتر شد. در نهایت میرزای شیرازی، مرجع بزرگ شیعیان از سامرا در فتوایی اعلام کرد: «الیوم استعمال تنباکو و توتون بائی نحو کان در حکم محاربه با امام زمان علیه السلام است.» با انتشار این فتوا، مردم و تجار، توتون ها را آتش زدند و شکستن قلیان ها به دربار ناصرالدین شاه نیز سرایت کرد. امین السلطان صدراعظم، نخست کوشید با ارسال نامه، توجهی برای عقد این قرارداد برنشاند اما وقتی دربار دریافت که میرزای شیرازی همچنان موضعی مخالف دارد، لغو قرارداد در ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۷۰ خورشیدی اعلام شد و دولت کشت و تجارت توتون و تنباکو را آزاد اعلام کرد.